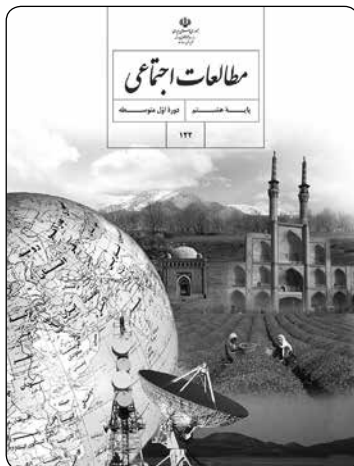


# انگیزه پیشرفت پایین تر از متوسط

## تحلیل محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی سال هشتم



### عثمان آچاک

دکترای علوم تربیتی، معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی نیروی انسانی،  
مدیریت آموزش و پرورش بوکان

### عمر خضر نژاد

کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دبیر دبیرستان‌های بوکان

### چکیده

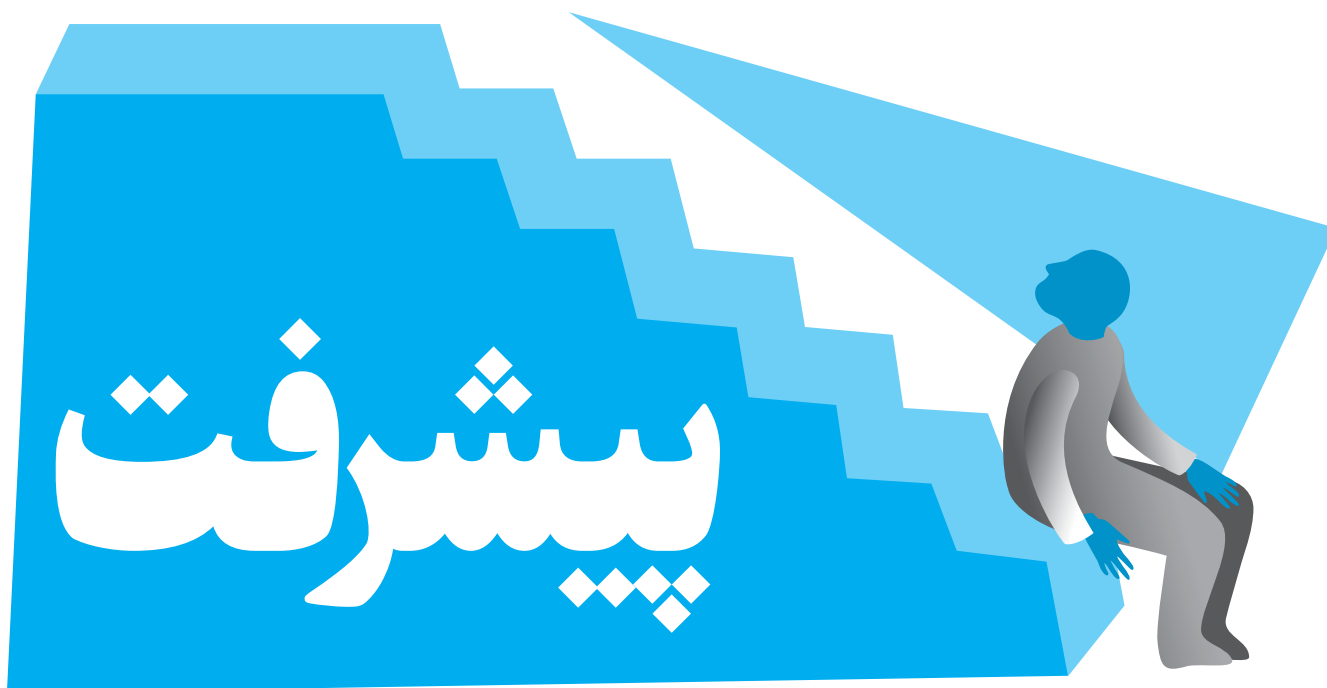
نیاز به پیشرفت، یعنی نیاز به غلبه کردن بر موانع، دستیابی به معیارهای عالی، و طبق معیار بالایی زندگی کردن. در این راستا هدف تحقیق حاضر تحلیل محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی سال هشتم دوره متوسطه اول بوده است. به این منظور نمونه و جامعه تحقیق برابر و عبارت از کتاب مطالعات اجتماعی چاپ ۱۳۹۵ بود که در قالب مؤلفه‌های محتوای متنی، تصویر، فعالیت، به‌کار بندید، برای مطالعه، کاربرگه و اهداف، مورد بررسی قرار گرفت. روایی و پایایی جدول مرجع به تأیید رسید و نتایج نشان دادند که میزان توجه به انگیزه پیشرفت در کتاب مطالعات اجتماعی سال هشتم دوره متوسطه اول پایین‌تر از متوسط است.

کلیدواژه‌ها: مطالعات اجتماعی، انگیزه پیشرفت، تحلیل محتوا، کتاب درسی

### مقدمه و بیان مسئله

کتاب درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش‌آموزان در هر نظام آموزشی است. در ایران نیز یکی از تأثیرگذارترین نقش‌ها را در برنامه‌های درسی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در ایران بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب کتاب درسی صورت می‌گیرند و بیشترین فعالیت‌ها و تجربه‌های آموزشی دانش‌آموز و معلم، حول محور آن سازمان‌دهی می‌شوند. این واقعیت باعث شده است که صاحب‌نظران و پژوهشگران، بررسی محتوای آموزشی دوره‌های تحصیلی را با توجه به نیازهای فراگیرندگان بررسی و تحلیل کنند.

این بررسی‌ها و تحلیل‌ها به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی کمک می‌کند، هنگام تهیه، تدوین و یا انتخاب کتاب درسی برای دوره‌های تحصیلی متفاوت، به‌ویژه در مورد کتاب مطالعات اجتماعی پایه هشتم دوره متوسطه اول که موضوع



دست‌اندرکاران حوزه‌های اجرایی را می‌طلبد و بایسته است، نقطه تلاقی حوزه نظر و عمل، به دست مطالعات گوناگون سپرده شود تا از آن میان، آنچه که زمینه‌های رشددهنده انسان را تأمین می‌کنند، گزینش شوند و کیفیت آن‌ها، تضمین شود [میرعارفین، ۱۳۸۹: ۱۵۱].

در این پژوهش، محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه هشتم، به لحاظ پرداختن به «انگیزه پیشرفت» و مؤلفه‌های آن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. یکی از نیازهای تعیین‌کننده رفتار انسانی «انگیزه پیشرفت» است. مطالعه علمی در مورد این انگیزه نخستین بار توسط **مورای** مطرح شد. مورای معتقد بود که نیاز به پیشرفت عبارت است از نیاز به غلبه کردن بر موانع، دستیابی به معیارهای عالی، رقابت کردن با دیگران و پیشی گرفتن از آنان و طبق معیار بالایی زندگی کردن [ریو، ۱۳۷۶: ۴۰].

برنامه درسی ملی یکی از زیرنظام‌های سند تحول بنیادین نظام آموزشی است. رسالت خطیر برنامه درسی ملی، فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی از سطوح ملی تا محلی است تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختاریافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی بانشاط و مدرسه دوست‌داشتنی را تجسم بخشد. [وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱: ۴]. همچنین در این برنامه، حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، به مطالعه کنش‌ها و تعاملات انسانی و توانایی ایجاد رابطه مثبت و سازنده با خلق حول محور رابطه با خدا، درک موقعیت و فراموقعیت و عناصر آن در ابعاد گوناگون (زمان،

بحث این مقاله است، تصمیمات صحیحی اتخاذ کنند. نوعی از تحلیل که برای برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی هر دوره تحصیلی بسیار مفید و ضروری است، «تحلیل محتوا» است [عریضی و عابدی، ۱۳۸۲: ۳۱]. تحلیل محتوا کمک می‌کند، تا مفاهیم، اصول، انگیزه‌ها، نیازها، نگرش‌ها و تمامی اجزای مطرح شده در محتوای آموزشی و پرورشی کتاب‌ها مورد بررسی علمی و عملی قرار گیرند و با اهداف برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مقایسه شوند.

در جریان انجام و اجرای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، پرداختن به قدرت تفکر، خلاقیت، زیبایی‌شناسی، تجزیه و تحلیل و نقد مسائل، در زمره مواردی هستند که زمینه‌های رشد و تعالی دانش‌آموزان را در مقابل چالش‌های پیش روی زندگی فراهم می‌آورند. در این خصوص، **بازرگان**، فعالیت‌های آموزشی هر کشور را، سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر می‌داند و هدف اصلی این سرمایه‌گذاری را توسعه انسانی معرفی می‌کند. او اظهار می‌دارد: هدف فعالیت‌های آموزشی رشد آگاهی و توانایی انسان است و از آنجا که آموزش وسیله‌ای برای شناسایی مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و پی بردن به راه‌حل‌های مناسب برای آن‌هاست، بر این اساس نظام آموزشی را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین زیرنظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منظور داشت [بازرگان، ۱۳۸۱: ۳۴].

در تأیید این نکته می‌توان گفت چنانچه در هر نظام آموزشی، رشد قابلیت‌های انسان هدف اساسی به‌شمار آید، تعیین محتوای آموزشی و فرصت‌های یادگیری، یاری متخصصان و

مکان، و عوامل طبیعی و اجتماعی) و سنت‌های الهی حاکم بر فرد و جامعه می‌پردازد و در پی تقویت و پرورش کنش‌های مطلوب، متناسب با نظام معیار اسلامی است [همان، ص ۳۱]. برنامه درسی ملی در رابطه با جهت‌گیری‌های کلی حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی درصدد است، شایستگی‌های مورد انتظار را تا پایان دوره آموزش عمومی در قالب تجربیات یادگیری تلفیقی ارائه دهد و فرصت درک مفهوم موقعیت در ابعاد مختلف آن را فراهم کند. همچنین، دانش‌آموزان توانایی لازم را برای مشارکت آزادانه و آگاهانه در فعالیت‌های اجتماعی کسب کنند. این شیوه سازمان‌دهی محتوا، فرصت‌هایی را برای کسب تجربیات دست اول در سطح کلاس درس، مدرسه، و جامعه محلی در اختیار مدرسه‌ها و مربیان قرار می‌دهد. دانش‌آموزان ضمن روبه‌رو شدن با موقعیت‌های واقعی و چالش‌برانگیز توانایی لازم برای حل مسائل واقعی زندگی فردی و اجتماعی و دستیابی به مرتبه‌ای از عقلانیت اجتماعی را کسب می‌کنند [همان، ص ۳۳].

این پژوهش در صدد بوده است، بر اساس موارد مطرح شده مشخص کند، مؤلفان کتاب تازه تألیف شده مطالعات اجتماعی که مطابق برنامه درس ملی و سند تحول بنیادین نظام آموزشی و به شیوه تلفیقی تألیف شده و دارای پنج حوزه موضوعی (فضا و مکان، زمان، تداوم و تغییر، فرهنگ و هویت، نظام اجتماعی و منابع و فعالیت‌های اقتصادی) است، در عمل تا چه اندازه به اهداف آموزشی مورد نظر خود رسیده‌اند؟ تا چه اندازه توانسته‌اند میل و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان را به وجود آورند؟ یا به عبارت دیگر، تا چه اندازه توانسته‌اند انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان را تقویت کنند؟

## تحقیقات پیشین

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در رابطه با موضوع نقد و بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی صورت گرفته‌اند که هر یک از منظر و دیدگاه خاصی به محتوای کتاب‌ها نگرسته‌اند و به نتایج متفاوتی هم رسیده‌اند. اما این نکته را باید مدنظر داشت که پس از تدوین برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، و نیز تغییر نظام آموزشی از نظام سابق به نظام نوین که در آن از یک دوره شش ساله ابتدایی و دو دوره سه ساله متوسطه یک و متوسطه دو بحث شده است، محتوای تمامی کتاب‌های درسی هم تغییرات اساسی به دنبال داشته است. کتاب مطالعات اجتماعی نیز که در گذشته سه کتاب جداگانه و با موضوعات متفاوت بود، در نظام آموزشی نوین به روش تلفیقی تألیف شده و به صورت یک کتاب و حوزه‌های موضوعی خاص که در هر بخش آن از حوزه‌های دیگر هم بحث شده، نگارش یافته است، اما پس از این تغییرات، تاکنون تحلیل و نقدی علمی و پژوهش خاصی در این زمینه انجام نشده است. بنابراین در ادامه به ذکر سه نمونه از پژوهش‌هایی که تا به حال

در مورد موضوع این تحقیق و در گذشته و کتاب‌های سابق انجام شده است، می‌پردازیم.

یکی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، پژوهشی است با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی برحسب سازه انگیزه پیشرفت» که در سال ۱۳۸۲ توسط **حمیدرضا عریضی و احمدعابدی** صورت گرفته است. این محققان در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین کتاب‌های دوره ابتدایی، بیشترین توجه به سازه انگیزه پیشرفت، به ترتیب در کتاب‌های علوم تجربی پنجم، علوم تجربی سوم، تعلیمات اجتماعی چهارم، تعلیمات دینی و قرآن سوم و ریاضی پنجم بوده است. بر عکس، کتاب‌های آموزش قرآن اول، تعلیمات اجتماعی سوم، علوم تجربی اول، تعلیمات دینی و قرآن پنجم و فارسی چهارم در مقایسه با سایر کتاب‌های این دوره، به ترتیب کمترین توجه را به سازه انگیزه پیشرفت داشته‌اند [عریضی و عابدی، ۱۳۸۲: ۵۰].

پژوهش دیگر، با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی» در سال ۱۳۹۰ توسط **محمد تقی محمودی** انجام شده است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی به ترتیب به آموزش شهروند قانون‌مدار (با ۴۵/۵ درصد)، آموزش شهروند مشارکتی (با ۳۶/۰۶ درصد) و آموزش شهروند انتقادی (با ۱۸/۴۴ درصد) پرداخته است. در مقایسه سه پایه تحصیلی، کتاب اول بیشترین حجم را از آموزش شهروند قانون‌مدار و آموزش شهروند مشارکتی و کتاب پایه دوم بیشترین حجم را از آموزش شهروند انتقادی داشته است. این نتایج با تحقیق **هاشمی (۱۳۸۹)** که تحقیقی پیمایشی و حاصل نظرسنجی دبیران است و پژوهش **نیکنامی و همکارانش (۱۳۸۷)** موافق است، اما با نوع آموزش شهروندی که در تحقیق **گوازی (۱۳۸۷)** در دوره آموزش ابتدایی کشور سوئد انجام گرفته، ناهماهنگ است. به‌طور خلاصه، با توجه به تحلیل محتوای صورت گرفته در مورد متن و تصویرهای کتاب‌های درسی می‌توان گفت که کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی در آموزش شهروندی به رویکرد شهروند قانون‌مدار گرایش دارد و رویکردهای مشارکتی و انتقادی کمتر مدنظر هستند. رویکرد شهروند قانون‌مدار به «شهروند خودمختار» شباهت دارد. این نوع شهروندی به طور اساسی مطیع (فرمانبردار) حکومت است. «اطاعت از قانون» و «روح عام» از ویژگی‌های آن‌هاست. در مقابل آن، شهروند انتقادی یا شهروند حداکثری قرار دارد که «پرسشگری فعال» یا «دیدگاه انتقادی در همه موضوعات اساسی» است. در راستای همین رویکرد قانون‌مداری و دوری از رویکرد شهروند انتقادی، به تصاویر دارای نمادهای زنانه- به استثنای کتاب پایه اول- توجه کمتری مبدول شده است. این کتاب‌های درسی دارای ارجاعات و مآخذ نظام‌دار نیستند و از این بعد کمک کمی به

## مفهوم انگیزه پیشرفت از نظر مک‌کلند

مک‌کلند بر این اعتقاد بود که سیاست‌گذاران نباید تنها به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی اکتفا کنند، بلکه باید به سرمایه‌گذاری روی عوامل انسانی نیز بها بدهند. به نظر او، آنچه مدیران به‌طور حقیقی در اختیار دارند عبارت است از یک میل قوی به سمت پیشرفت، انجام دادن خوب کار، و اندیشیدن به راه‌های جدیدی که بتوان از رهگذر آن‌ها انجام کارهای فعلی را بهبود بخشید. مک‌کلند این میل و کشش را «انگیزه پیشرفت» یا ضرورت پیشرفت می‌خواند [سو، ۱۳۸۶: ۵۴]. او همچنین معتقد است که انگیزه پیشرفت، جست‌وجو کردن موفقیت در رقابت با استانداردی عالی است. او که پژوهش‌های گسترده‌ای را درباره انگیزه پیشرفت در کشورهای متفاوت انجام داده است، اظهار می‌دارد که انگیزه پیشرفت، در تحول توسعه اقتصادی کشورها نقش اساسی به عهده دارد. زیرا مردم کشوری که انگیزه پیشرفت بالایی دارند، پیوسته در پی یافتن راه‌ها و روش‌های انجام بهتر کارها هستند.

مک‌کلند معتقد بود، کشورهایی که دارای انگیزه پیشرفت بالایی هستند، این فکر را در ادبیات خود نیز ترویج می‌کنند. بر همین اساس، وی در پژوهش‌های خود روی مطالب نوشتاری تدوین شده برای کودکان، اعم از ادبیات و کتاب‌های درسی، به‌گونه‌ای هم‌زمان، انگیزه پیشرفت و رشد اقتصادی ۴۰ کشور گوناگون جهان را در خلال سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۵۰ بررسی کرد و نتیجه گرفت که ارتباط معنادار و نسبتاً محکمی بین نمره‌های انگیزه پیشرفت هر کشور و توسعه یا زوال رشد اقتصادی بعدی آن کشورها وجود دارد. به بیان دیگر، از نظر مک‌کلند کشورهایی که طی این سال‌ها به توسعه اقتصادی دست یافته بودند در ادبیات کودکان خود، پیشرفت را ترغیب می‌کردند و مشخص است که این امر تأثیر خود را در دهه‌های بعدی (یعنی در دوره بزرگ‌سالی کودکان) نشان داده است [نائلی، ۱۳۷۳: ۷۸].

مک‌کلند معتقد بود که تنها در حالی می‌توان گفت شخص از انگیزه پیشرفت قوی برخوردار است که پی‌درپی به چگونگی بهبود وضعیت فعلی یا اینکه چگونه می‌توان یک وظیفه را از راه‌های بهتری به انجام رساند، بیندیشد. حال این سؤال برای مک‌کلند مطرح بود که چگونه می‌توان انگیزه پیشرفت را اندازه‌گیری کرد؟ پرسش‌نامه‌های فردی شیوه خوبی برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد انگیزه پیشرفت به‌شمار نمی‌روند، چرا که ممکن است مردم در مورد انگیزه‌ها، علاقه‌ها و نگرش‌های خود دروغ بگویند. لذا مک‌کلند برای سنجش انگیزه پیشرفت در سطح فردی، از روش فراقنی استفاده کرد. وی پس از نشان دادن یک تصویر به سوژه‌های تحقیقاتی خود، از آنان می‌خواست که به نوشتن داستانی در مورد آن بپردازند. سپس با

گسترش تفکر انتقادی می‌کنند به علاوه، تصویرها دارای «فنون تاکیدی» نیستند [محمودی، ۱۳۹۰: ۱۰۶].

پژوهش سوم با عنوان «تربیت سیاسی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی یا تحلیل محتوای کتاب‌های تازه تألیف مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه» در سال ۱۳۹۵ توسط **پری مسلمی پور لالمی و نسری نیکدل** صورت گرفته است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که مؤلفه «نگرش تربیت سیاسی شهروند» در کل محتوای قسمت مدنی کتاب‌های درسی سه سال دوره اول متوسطه نسبت به مؤلفه‌های مهارت و دانش تربیت سیاسی شهروند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، ضریب اهمیت دو مؤلفه دانش و مهارت تربیت سیاسی شهروند، نزدیک به هم است. این موضوع نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها به نسبت برابر و به میزان کمتر از مؤلفه نگرش تربیت سیاسی شهروند مورد توجه کتاب‌های درسی بوده‌اند. ضریب اهمیت در قسمت نگرش، کمی بیشتر از مهارت و دانش است و این موضوع نشان دهنده آن است که کتاب‌های جدیدالتألیف بیشتر به سمت نگرش متمایل‌اند. از سوی دیگر، نحوه توزیع مؤلفه‌ها در پایه‌های تحصیلی متفاوت است. به گونه‌ای که کتاب درسی نهم بیشترین توجه را به دانش تربیت سیاسی، و کتاب هفتم کمترین توجه را نسبت به این مؤلفه داشته است. اما بیشترین میزان توجه در مقوله مهارت، مربوط به کتاب هفتم است و کتاب هشتم کمترین میزان توجه را به نگرش تربیت سیاسی شهروند داشته است. همچنین یافته‌های پژوهش، توزیع نامتوازن شاخص‌های مربوط به هر یک از مقوله‌های تربیت سیاسی را نشان می‌دهند. به گونه‌ای که حتی برخی شاخص‌های تربیت سیاسی، مورد توجه نبوده‌اند یا کمتر به آن‌ها پرداخته شده است که عبارت‌اند از: توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری؛ تنوع و تکثر؛ روحیه عدالت‌خواهی؛ حل مسئله؛ مهارت مربوط به برقراری ارتباط [مسلمی پور لالمی و نیکدل، ۱۳۹۵: ۲۴].

## چارچوب نظری

هر نظریه در واقع بیان یک اعتقاد است. دیدگاهی است که به ما اجازه می‌دهد، جهان اطراف خود را بهتر بشناسیم. انتخاب چارچوب نظری برای تحقیق دو کارکرد مهم دارد: اول اینکه به ما اجازه می‌دهد، سؤال‌های آغازین تحقیق مجدداً فرمول‌بندی یا به‌صورت دقیق‌تری بیان شود. دوم اینکه چارچوب نظری تحقیق به‌عنوان شالوده برای فرضیه‌هایی به‌کار می‌رود که به اعتبار آن‌ها محقق پاسخ منسجمی به سؤال آغازین خواهد داد [کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۸۸]. بنابراین در پژوهش حاضر برای «بررسی و تحلیل محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هشتم دوره متوسطه اول»، از نظریه نوسازی «انگیزه پیشرفت» جامعه‌شناسی چون مک‌کلند استفاده شده است.

استفاده از روش تحلیل محتوا در مورد هر داستان، میزان انگیزه پیشرفت را در نویسنده داستان ارزیابی می‌کند.

اگر بتوان میزان انگیزه پیشرفت افراد را از طریق فرافکنی اندازه گرفت، چگونه می‌توان آن را در سطح ملی مورد سنجش قرار داد؟ دوباره مک‌کلند برای اندازه‌گیری انگیزه پیشرفت در سطح ملی، به شیوه‌ای ابتکاری دست زد. وی نخست با جمع‌آوری ادبیات رایج، نظیر ترانه‌های محلی، لطیفه‌ها، چکامه‌ها، نمایشنامه‌ها و داستان‌های کودکان از متون درسی عمومی، میزان انگیزه پیشرفتی را که در هر یک از آنان ابراز شده بود، امتیازبندی کرد [سوء، ۱۳۸۶: ۵۶]. با توجه به تحقیقات مک‌کلند می‌توان گفت: انگیزه پیشرفت مولود تدوین کتاب‌های درسی توسط نظام آموزشی، ادبیات کودکان و روش‌های تربیتی والدین است و چون کتاب درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش‌آموزان در نظام کنونی آموزشی محسوب می‌شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل القاء‌کننده انگیزه پیشرفت به دانش‌آموزان نیز باشد. در این پژوهش، مسئله اساسی ما محققان این است که می‌خواهیم با تحلیل محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی هشتم، میزان توجه این کتاب را به «سازۀ انگیزه برای پیشرفت کشور و مؤلفه‌های آن» بررسی کنیم.

## روش

روش تحقیق در این پژوهش، تلفیقی (کمی و کیفی) از نوع

توصیفی و به روش تحلیل محتوا و واحد تحلیل محتوای متن درس کتاب، تصویرها، فعالیت‌ها، به‌کاربندید، برای مطالعه، کاربرگه و اهداف در مطالعات اجتماعی سال هشتم بود. روش پژوهش «تحلیل محتوا» مبتنی بر تکنیک تجزیه و تحلیل کمی کتاب‌های درسی بوده است. روش‌های شمارش عبارت‌اند از: وجود یا عدم وجود و فراوانی. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و به لحاظ هدف، کاربردی است. هدف پژوهش توصیف عینی، واقعی و منظم کتاب مطالعات اجتماعی سال هشتم بوده است. جامعه آماری **تحقیق** حاضر کتاب مطالعات اجتماعی پایه هشتم دوره اول متوسطه است، که توسط وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ منتشر شد. دلیل انتخاب این کتاب‌های درسی تغییراتی است که اخیراً در محتوای آن‌ها صورت گرفته است، به منظور پاسخ به این سؤال که: آیا در کتاب‌های جدیدالتألیف جایگاه هوش معنوی و مؤلفه‌های آن نیز لحاظ شده است؟

برای هر یک از درس‌های کتاب مطالعات اجتماعی سال هشتم متوسطه اول در هر یک از مؤلفه‌های محتوای متنی، تصویر، فعالیت، به‌کاربندید، برای مطالعه، کاربرگه و اهداف مورد بررسی قرار گرفت و نکات مثبت و منفی درس‌ها در جدول مرجع تدوین و در جدول‌های ۱ و ۲ خلاصه شدند.

به منظور بررسی روایی فهرست و آرسنی محقق ساخته، طی جلساتی این فهرست با معلمان مطالعات اجتماعی دوره متوسطه شهرستان در جریان گذاشته شد و پایایی ابزار با استفاده از

# خط مستقیم ز منتوس مط



ضریب توافق داوران، ۷۵ درصد محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و رسم جدول توزیع فراوانی‌ها و نمودارهای مناسب استفاده شد. این تحلیل‌ها توسط نرم‌افزار «اکسل» و «spss» صورت گرفتند.

## یافته‌ها

در راستای هدف تحقیق، درس‌های دوازده‌گانه در راستای هر یک از مؤلفه‌های محتوای متنی، تصویر، فعالیت، به‌کاربندید، برای مطالعه، کاربرگه و اهداف بررسی شدند و تأکیدات مثبت و منفی بر انگیزه پیشرفت مورد بررسی قرار گرفتند.

به‌عنوان نشانه‌های انگیزشی، در فصل‌های چهارم، دهم و یازدهم آمده‌اند. از طرف دیگر، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های کتاب مشاهده می‌شود که بیشترین نشانه‌های انگیزشی در حوزه اهداف برای هر بخش از کتاب و پس از آن در مورد محتوا و سپس کاربرگه و تصویرهای کتاب مطرح شده‌اند. کمترین نکات مثبت، در به‌کار بندید و برای مطالعه مشاهده می‌شود.

همچنین نتایج بررسی فراوانی نکات استخراج شده نشان می‌دهد که به ازای حداقل یک مورد نشانه انگیزشی مثبت برای

هر یک از خانه‌های جدول (یعنی برای هر فصل و هر قالب محتوا یک مورد)، تعداد ۹۶ مطلب انگیزشی مورد انتظار است و این کمترین میزانی است که برای محتوای کتاب در نظر گرفته شده است. این در حالی است که تعداد مطالب انگیزشی ۴۴ مورد است که به نصف ۹۶ (یعنی ۴۸) هم نرسیده است. از این رو می‌توان گفت میزان توجه به انگیزه پیشرفت در کتاب اندک و از متوسط پایین‌تر است.

از طرف دیگر، نکات منفی و بازدارنده کتاب به‌عنوان عامل کاهنده انگیزه پیشرفت در نظر گرفته شد و بر این اساس نتایجی به شرح جدول ۲ به دست آمد:

مشاهده فراوانی‌های موجود در جدول ۲ نشان می‌دهد، تعداد ۲۱ مورد نکته قابل اصلاح در کتاب وجود دارد که این نکات بیشتر در فصل‌های اول، دوم و ششم کتاب قرار دارند و بیشتر آن‌ها مربوط به محتوای متنی کتاب است و پس از آن فعالیت‌ها. خلاصه‌ای از موارد به شرح زیر است:

- در بعضی بخش‌ها با علامت سؤال ممنوع به محتوای درس لطمه وارد شده است.
- حجم فعالیت‌ها زیاد است.
- کاربرگه‌ها در آخر کتاب و بدون صفحه‌بندی آورده شده‌اند.

جدول (۱) فراوانی نکات مثبت درس‌های دوازده‌گانه در مؤلفه‌های تحقیق

بخش‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	جمع
محتوا	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱۰
تصویر	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
فعالیت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۲
به‌کاربندید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
برای مطالعه	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۹
کاربرگه	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
اهداف	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
سایر	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
جمع	۴	۴	۳	۵	۲	۳	۳	۳	۴	۵	۵	۳	۴۴

$$۹۶ \div ۲ = ۴۸$$

جدول (۲) فراوانی نکات منفی درس‌های دوازده‌گانه در مؤلفه‌های تحقیق

بخش‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	جمع
محتوا	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۸
تصویر	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
فعالیت	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
به‌کاربندید	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
برای مطالعه	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
کاربرگه	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
اهداف	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
سایر	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۳
جمع	۴	۴	۱	۱	۲	۶	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۲۱

● در وظایف دولت و رئیس جمهور نوعی خلط مطلب وجود دارد و باید وظایف واضح، روشن تر و تفکیک شده مطرح شوند، در قانون اساسی وظایف رئیس جمهور و مجموعه دولت جداگانه مشخص شده است.

● در متن درس تعریفی از آسیب اجتماعی نشده است.

● قرار دادن بخشی از صفحه ۳۱ در قسمت سؤال ممنوع که جزو اهداف درس است، به متن درس لطمه وارد می کند.

● در صفحه ۳۶ مدل ارتباطی ناقص است، به طوری که ارتباط بدون باز خورد معنی ندارد.

● قرار دادن سیر تحول رسانه در قسمت سؤال ممنوع، به محتوا و اهداف اصلی درس لطمه وارد کرده است.

## بحث و نتیجه گیری

هدف از تدوین مقاله حاضر تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال هشتم متوسطه اول از نظر میزان توجه به انگیزه پیشرفت بود. به این منظور تمام کتاب بررسی و نکات مثبت و منفی کتاب از این نظر استخراج شد. نتایج نشان داد که فراوانی نکات مثبت کتاب به عنوان تأیید و توجه به انگیزه پیشرفت به طور کلی کمتر از متوسط بود، اما در فصل های چهار، ده و یازده بیشتر بود. همچنین در تقسیم بندی محتوای هر بخش، بیشترین نکات مثبت با اهداف بخش ها، محتوای متنی، کاربرگه ها و تصویرهای درس مرتبط است.

از طرف دیگر، در بررسی نقاط ضعف کتاب به عنوان موانعی برای انگیزه پیشرفت، مشخص شد که بیشترین نقاط ضعف در بخش ششم و سپس اول و دوم وجود دارد. همچنین در تقسیم بندی موضوعات هر فصل، بیشترین نقاط ضعف مرتبط با محتوای متنی و سپس فعالیت است.

نتایج تحقیق با یافته ها عربی و عابدی (۱۳۸۲) که میزان توجه به انگیزه پیشرفت در کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی را در سطح بالایی عنوان کرده اند، منافات دارد. این در حالی است که محمودی (۱۳۹۰)، هاشمی (۱۳۸۹)، نیکنامی و همکارانش (۱۳۸۷) و مسلمی پور و نیکدل (۱۳۹۵) بر تربیت شهروند قانون مدار و تربیت سیاسی شهروند، در محتوای کتاب های درسی تأکید دارند که تنها بخشی از تربیت شهروندی است و برای رسیدن به شهروندانی با انگیزه پیشرفت بالاتر نیاز به محتوای تربیتی در خصوص شهروند مشارکت گرا و شهروند منتقد نیز وجود دارد و از این رو با نتایج تحقیق حاضر همسویی دارد.

مک کلند انگیزه پیشرفت را جست و جو کردن موفقیت با استانداردهای در حد عالی می داند، به طوری که فرد و جامعه هر روز در فکر ارتقای ویژگی های خود باشند. به عقیده او، داشتن چنین روحیه ای تأثیر بهبود بخشی بر توسعه و تحول اقتصادی کشورها دارد. چنانچه می دانیم، امیدهای آینده هر

ملتی نوجوانان و جوانان آن هستند و تربیت این نسل برعهده نظام آموزشی و براساس چارچوب محتوایی است که به صورت رسمی تدوین شده و در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته است. از آنجا که در شرایط فعلی، کشور از مشکلات مزمن اقتصادی و اقتصاد دولتی رنج می برد، پرورش انگیزه پیشرفت در نوجوانان، یکی از راهکارهایی است که می تواند جوانان را به آینده کشور، ارتقای سطح اقتصادی و جامعه امیدوار سازد تا با سوق دادن اقتصاد ملی به سمت اشتغال و بهبود بهره وری به رونق و توسعه ملی کمک کنند.

همچنین به محققان پیشنهاد می شود، با بررسی میزان توجه به مؤلفه ها و شاخص های توسعه انسانی در کتاب های درسی و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود میزان توجه به این شاخص ها، قدم هایی در راه ارتقای توسعه انسانی در کشورمان بردارند.

### منابع

۱. بازرگان، عباس (۱۳۸۱). *ارزشیابی آموزشی*. انتشارات سمت. تهران. چاپ اول.
۲. ربو، جان مارشال (۱۳۷۶). *انگیزش و هیجان*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. نشر ویرایش. تهران.
۳. سو، آلوین. ی (۱۳۸۶). *تغییرات اجتماعی و توسعه امروز بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. انتشارات پژوهشکده راهبردی. تهران. چاپ سوم.
۴. عربی، حمیدرضا و عابدی، احمد (۱۳۸۲). *تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی بر حسب سازه انگیزه پیشرفت*. فصل نامه نوآوری های آموزشی. شماره ۵. سال دوم. پاییز.
۵. کیوی، ریمون و کامینهود لوک (۱۳۷۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. نشر توتیا، تهران. چاپ سوم.
۶. محمودی، محمدتقی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتاب های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی». *مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی*، دوره دوم. شماره ۲ و ۱.
۷. مسلمی پور لالی، پری و نیکدل، نسرين (۱۳۹۵). «تربیت سیاسی در کتاب های مطالعات اجتماعی یا تحلیل محتوای کتاب های تازه تألیف مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه». *رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره نوزدهم، شماره ۲. زمستان.
۸. میر عارفین، فاطمه سادات (۱۳۸۹). «نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی (دین و زندگی) دوره پیش دانشگاهی از دید صاحب نظران و دبیران». *مجله دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار/ تربیت و اجتماع/ دانشگاه شاهد*، شماره ۴۲، سال هفدهم. شهریور.
۹. نائلی، محمدعلی (۱۳۷۳). *انگیزش و سازمان ها*. انتشارات دانشگاه شهید چمران. اهواز. چاپ اول.